

تربیت اسلامی (گذر از اهداف کلی به اهداف رفتاری)

محمد کاویانی* : استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، گروه روانشناسی

فصلنامه تخصصی پژوهشهای میان رشته ای قرآن کریم
سال اول، شماره سوم، تابستان ۸۸، ص ۷۹-۹۲
تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۳/۵

چکیده

این پژوهش با هدف ترسیم و آرایه مدلی برای اهداف تربیت اسلامی و به تبع آن مشخص کردن اهداف کلی؛ واسطه ای و تاکید بر اهداف رفتاری در تربیت اسلامی صورت پذیرفت. روش این پژوهش از نوع مفهومی و تحلیل محتوای متون دینی به صورت نظری (با استفاده از روش شناسی استنباط از متون دینی) بود. بدین منظور، تمام متون درجه اول دینی و بعضی از آثار صاحب نظران اسلامی، مورد جستجوی موضوعی و سپس، موضوعات یافت شده، مورد مطالعه دقیق و دسته بندی در رده های مختلف قرار گرفت. از دستاوردهای این پژوهش عبارت است از یک مدل جامع برای اهداف تربیتی که به صورت مخروطی تا سه- چهار ردیف ریز شده است و بعضی از قسمت های آن به عنوان نمونه، محتوی دهی شده است، از ویژگی های این مدل این است که با همه زوایای زندگی روزمره ارتباط مستقیم دارد و در عین حال به نگرش های زیرین تربیت اسلامی نیز توجه کرده است.

کلید واژه ها: اهداف تربیتی، هدف غائی، اهداف واسطه ای، تربیت اسلامی، نظریه پردازی دینی، برنامه ریزی تربیتی، مهندسی فرهنگی

مقدمه

یکی از معضلات اساسی بشر، روشن نبودن هدف غائی انسان و عدم آرایه برنامه تربیتی مناسب جهت تحقق آن می باشد. تا غایت مشخص نشود، نمی توان به یک برنامه تربیت دینی دست یافت. قبل از پرداختن به مبانی، روش ها، ارزش ها و اصول تربیتی، لاجرم باید به اهداف تربیتی اسلام پرداخت. هدف غائی تربیت بشر چیست؟ صاحب نظران هر یک به گونه ای پاسخ داده اند. ولی آنچه صاحب نظران اسلامی به آن پرداخته اند، اهداف کلی است که معمولاً کاربردی نیستند، بلکه به عنوان مطلوب نهائی در نظر گرفته می شوند که باید همواره به آن توجه داشته باشیم تا از مسیر صحیح تربیت منحرف نشده و در پیچ و خم های اجرائی دراز مدت آن گم نشویم. آنچه ما را در تربیت کمک می کند عبارت است از تبدیل کردن اهداف غائی (کلی) به اهداف جزئی در مراتب متعدد تا اینکه به اهداف رفتاری قابل عمل برسیم. این رده های مختلف که ممکن است بسیار متعدد باشند، به عنوان اهداف واسطه ای نامیده می شوند؛ هر هدف واسطه ای نسبت به هدف کوچکتر از خود به عنوان هدف کلی و نسبت به هدف بالاتر از خود، هدف واسطه ای یا رفتاری در نظر گرفته می شود.

پیشینه

در باب چپستی هدف غائی در تربیت، پاسخ ها متفاوت و در مواردی مبهم است. مثلاً در دیدگاه های غیراسلامی بر «غلبه بر نیروهای طبیعی»، «ابداع نیازها و مصالح شخصی»، «رشد منش»، «هجرت معنوی به فراسوی طبیعت»، «صیانت ذات» تاکید شده است و محققان به موضوعاتی مثل: بولن (Bullen, L, A) (۲۰۰۵) «زندگی به عنوان یک تکنیک»، اینجلس (Pike, M, A) (۲۰۰۵) به «رابطه فرهنگ و زندگی روزمره» شو (Inglis, D) (۲۰۰۶) به «چالش های عینی زندگی در خانواده ها در چارچوب نظریه درمانی روان نمایش گری، بوسنیتز (Busenitz, N) (۲۰۰۳) به «اهداف هدایت شده زندگی» هالستید و پیک (Halstead, J, M) (۲۰۰۶) به «شهروند خوب بودن و رابطه آن با تعلیمات اخلاقی» و پاول (Paul, E, F) (۱۹۹۲) به بررسی «زندگی خوب و انسان خوشبخت» پرداخته اند.

در دیدگاه متفکران اسلامی، برغایاتی چون «آرامش خواهی»، «سعادت»، «کمال طلبی»، «قیام به قسط»، «حیات طیبه»، «انسان کامل»، «طاعت و بندگی»، «تقوی»، «قرب الی الله»، «خلیفه الله»، و... تاکید شده است. به عنوان مثال: امیر المؤمنین (ع) در خطبه ۱۹۸ نهج البلاغه، هدف غائی تربیت را تقوی و پرستش خداوند می داند.

فارابی می نویسد: هدف از آفرینش وجود انسان این است که به سعادت نهائی (خیر مطلق) برسد. غزالی می نویسد: کار انسان، طلب سعادت

است و سعادت وی در معرفت خداوند تعالی است ابوعلی سینا می نویسد هدف غائی در تربیت انسان، پاک کردن نفس از اخلاق بد به وسیله عبادت الهی است. ملاصدرا می نویسد: مطلوب غائی آن است که بنده به وسیله کتاب مقدس از حسیض ذلت به اوج کمال و عرفان ارتقاء یابد. امام خمینی (ره) سرمایه حیات ابدی را حصول اخلاق کریمه و اتصاف به مکارم اخلاق برمی شمارد. شهید مطهری می نویسد: نه علم (به معنای حکمت) هدف است، نه زیبایی هدف است، نه عدالت هدف است و نه محبت، بلکه هدف فقط و فقط خداوند است و حقیقت و تمام هدف های دیگر زائیده این هدف هستند.

شهید محمد باقر صدر هدف نهائی تربیت انسان را قرب الی الله می داند. علامه طباطبائی، عمل صالح را غایت خلقت انسان می داند. علامه محمد تقی جعفری (۱۳۶۸) هدف زندگی را حیات معقول می داند. آیه الله مصباح یزدی، هدف غائی را پرستش و بندگی خداوند اعلام کرده است. این مقاله در پی تعریف جدید از هدف غائی در دیدگاه اسلام نیست، بلکه به این منظور به این دیدگاه ها اشاره شد که معلوم گردد، پیشینه بحث در چه بخشی، غنی است و در چه بخشی نیاز به کار دارد. دیدگاه های یاد شده نشان می دهد که هدف غائی مورد اشاره قرار گرفته است، ولی این اهداف تا زمانی که ریز نشوند و قابل مشاهده و بررسی رفتاری نشوند، برای برنامه ریزان تربیتی، راهگشائی کامل ندارند و این کار کمتر انجام شده است؛ هیچ پژوهش جامع قرآنی در اهداف تربیتی اسلام، به ویژه تبدیل اهداف کلی به واسطه ای و رفتاری، انجام نشده است، در حالی که اهداف کلی تا در قالب اهداف رفتاری ترسیم نشوند، به هیچ وجه قابلیت برنامه ای و اجرائی پیدا نمی کنند. این پژوهش تلاش کرده است که اهداف کلی اسلامی را از دیدگاه خود آیات و روایات، در قالب اهداف واسطه ای و رفتاری بیان کند. البته مطالعات پراکنده، به بعضی از زوایای بحث در اهداف واسطه ای هم پرداخته اند اما کافی نیست؛ به عنوان مثال، مطهری (۱۳۷۹) به بررسی «هدف زندگی از دیدگاه اسلام»، حسن کرملیان (۱۳۸۵)، به تبیین «اهداف تربیت اسلامی بر مبنای قلمروهای حیات»، رستمی نسب (۱۳۸۸) به بررسی «هدف غائی در تربیت دینی با رویکرد اسلامی»، مکارم (۱۳۷۶) به «زندگی در پرتو اخلاق»، مکارم (۱۳۷۶) به «یکصد و پنجاه درس زندگی از دیدگاه اسلام»، فقیهی (۱۳۷۶) به «هدف و مقصد زندگی اسلامی»، جعفری (۱۳۶۸) به «بررسی هدف و فلسفه زندگی»، پرداخته اند.

بیان مسئله

امروزه نوع انسان ها، معمولاً در اسارت الزامات زندگی تکنولوژیک هستند، به عنوان مثال: رسانه های سمعی بصری، بر روابط خانوادگی نوعی حاکمیت دارند، الگوی خواب و بیداری خانواده ها را تنظیم

می‌کنند، اوقات فراغت افراد را به صورتی ویژه پر می‌کنند. فرهنگ سازی می‌کنند و...

- الگوی خانه سازی و معماری موجود، رعایت بسیاری از دستورات دینی را مشکل یا ممتنع می‌سازد.

- الزامات شغلی و اقتصادی، روابط انسانی را تحت الشعاع خود قرار داده است.

- تربیت فرزندان از انحصار خانواده و مدرسه خارج شده است.

- فرهنگ مصرف گرایی، تمام رنگ و بوی زندگی‌ها را تغییر داده و شیرینی مجازی و کاذبی برای آن تصویر کرده است که برای هویت انسانی، نوعی سم محسوب می‌شود. رشد و تعالی انسان، معنایی مجازی یافته است. انسان از تربیت و زندگی فعلی اش احساس رضایت نمی‌کند، حتی مردم متدین ایران، پس از گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی، تربیت کاملاً اسلامی ندارند، چون اصولاً نه اهداف اسلامی مورد نظریه پردازی علمی قرار گرفته است و نه ساختار نهادهای فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، اجتماعی و... بر اساس چنین نظریه‌ای شکل گرفته‌اند. محقق در این پژوهش و پژوهش‌های دیگری که مکمل آن بودند، به نوعی نظریه پردازی بر اساس متون اسلامی اقدام کرده و به دنبال پاسخگویی به این سؤال‌ها بود که آیا اهداف تربیتی اسلام، جامعیت و انسجام مفهومی دارد؟ چه قالبی برای این اهداف قابل ارایه است؟ مؤلفه‌های آن و به عبارت دیگر اهداف واسطه‌ای رده‌های اول و دوم و... در تربیت اسلامی کدامند؟ این مقاله برای پاسخ به سؤالات فوق چارچوبی را ارایه کرده و با مطالعه تفصیلی با روش استنباط از متون دینی، بخشی از آن چارچوب را محتوادهی کرده است.

اهداف کلی و واسطه‌ای و رفتاری بر پیوستاری، قابل ترسیمند که تفاوت‌های مهم و قابل توجهی بین دو سوی این پیوستار وجود دارد. الف) اهداف کلی همانطور که از نامشان پیداست، کاملاً کلی هستند؛ هرچه از اهداف کلی به اهداف واسطه‌ای و رفتاری پیش رویم از کلیت آنها کاسته می‌شود تا اینکه به اهداف کاملاً جزئی می‌رسیم. ب) لازمه کلی بودن، این است که بیشتر ذهنی و انتزاعی هستند، در حالی که هرچه به طرف اهداف واسطه‌ای و رفتاری می‌رویم، به عینی و خارجی بودن نزدیک می‌شویم، به گونه‌ای که آخرین حلقه در این زنجیره باید کاملاً بیرونی و عینی باشد.

ج) اهداف کلی کاملاً کیفی هستند و با کمی شدن، فاصله زیادی دارند، ولی هر قدر به سوی رده‌های پائین تر در اهداف واسطه‌ای برویم از کیفی بودن کاسته و بر کمی بودن آنها افزوده می‌شود و در نهایت وقتی به اهداف رفتاری برسیم، آنها را کاملاً کمی می‌یابیم.

د) به تبع کیفی یا کمی بودن است که سنجش پذیری و سنجش ناپذیری مطرح می‌شود، اهداف کلی سنجش ناپذیرند و هر قدر به سوی رده‌های پائین تر در اهداف واسطه‌ای پیش برویم، بر سنجش پذیری آنها افزوده می‌شود و اهداف رفتاری کاملاً سنجش پذیر

هستند

ه) اهداف کلی از نظر تعداد، کم هستند، اما در هر ردیف که به سوی اهداف واسطه‌ای پائین تر پیش برویم، تعداد آنها بیشتر می‌شود به گونه‌ای که یک هدف کلی، تا به اهداف رفتاری در رده آخر برسد، شکل یک مخروط به خود خواهد گرفت. عرف عام به اهداف کلی، اطلاق «هدف» می‌کنند، اما هر چه به اهداف رده‌های پائین تر پیش برویم، از عنوان «هدف» دور می‌شویم و به عنوان «وظیفه» نزدیک تر می‌شویم، به طور کلی از دیدگاه اسلامی، هر آنچه که با یک نگاه به عنوان «هدف» در نظر گرفته می‌شود، با نگاه دیگر می‌توان آن را «وظیفه» دانست. همان طور که می‌توان از اهداف کلی و واسطه‌ای و رفتاری سخن گفت، به همان صورت نیز می‌توان از وظایف کلی و واسطه‌ای و رفتاری نیز سخن گفت.

هدف غائی از دیدگاه اسلام هدفی است که مطلوبیت آن ذاتی است، یعنی آن را برای رسیدن به هدف دیگری نمی‌خواهیم، خودش موضوعیت دارد، به عنوان مثال هر کدام از صاحب نظران اسلامی که به اهدافی مثل: «قرب الی الله»، «کمال طلبی»، «سعادت»، «تقوی»، «بندگی» و... قائل شده‌اند، آن را نهائی می‌دانند، نه مقدمه‌ای برای رسیدن به هدفی دیگر. اهداف کلی در اسلام، اگر چه از نظر مفهوم با یکدیگر متفاوت هستند، ولی در مصداق و در فرایند دستیابی به آنها، تقریباً مشترک هستند، چرا که اسلام یک مکتب است و کلیت یکپارچه آن، ما را به دو غایت متخالف رهنمون نمی‌سازد. به عبارت دیگر در اسلام، به هر کدام از اهداف غائی یاد شده قایل باشیم، در عمل و اهداف رفتاری، تفاوت چندانی نخواهیم یافت، چرا که اهداف غائی یاد شده از جنس هم هستند و در اهداف رفتاری همپوشی خواهند داشت. اکنون می‌توان تمام ویژگی‌ها و موارد فوق را در یک مثال به طور مختصر بررسی کرد؛ کمال طلبی یک مفهوم کاملاً کلی است، اما همین هدف کلی ممکن است به سه هدف کوچکتر تبدیل شود (کمال علمی، کمال عاطفی و کمال رفتاری)؛ باز به عنوان مثال کمال علمی به اهدافی مثل: علوم دینی، علوم و یافته‌های بشری، و پرورش قدرت تفکر و... قابل تقسیم است و به همین ترتیب هدف علم آموزی دینی به علم آموزی اعتقادی، علم آموزی احکام و علم آموزی اخلاق قابل تقسیم است. باز هر کدام از اینها به چندین هدف کوچکتر قابل تقسیم است و این تقسیم ممکن است تا رده‌های زیادی ادامه پیدا کند تا معلوم شود که اکنون و اینجا چه اقدامی باید انجام بدهیم. ممکن است در یک طرف، مفهومی چون «کمال طلبی» باشد و در سوی دیگر به ده‌ها یا صدها اهداف رفتاری جزئی برسیم که برنامه ریزی‌های ما باید بر روی آن اهداف جزئی و رفتاری صورت بپذیرد، مثلاً باید مرتبی را به «مدرسه رفتن»، «سر کلاس درس نشستن»، «کتاب خواندن» و... تشویق کنیم، پس «سر کلاس نشستن» نیز هدفی تربیتی است. بدین ترتیب می‌بینیم که از هدف کمال طلبی به هدف «سر کلاس نشستن» رسیدیم.

روش پژوهش

لازمه‌ارایه یک دیدگاه کلان برای اهداف تربیتی اسلام، توجه به زیر بناهای هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و...، سپس عبور از اهداف کلی و واسطه‌ای و رسیدن به اهداف رفتاری فرد است. برای داشتن یک جامعه اسلامی لازم است اهداف تربیتی از کلی‌ترین اهداف تا رفتاری‌ترین اهداف ترسیم شود؛ در این پژوهش برای ترسیم این اهداف:

۱. سه گروه متون اسلامی مورد مطالعه قرار گرفت.

الف) متون اسلامی معتبر و درجه اول از جمله قرآن، نهج‌البلاغه، اصول کافی، بحار الانوار، صحیفه سجادیه، رساله حقوق امام سجاد(ع) و...

ب) متون درجه دوم اسلامی که به وظایف زندگی در قالب اخلاق، فقه و حقوق، پرداخته‌اند، مثل رساله‌های عملیه، محجبه البیضاء، جامع السعادات، معراج السعاده و...

ج) منابع درجه دوم که دیدگاه‌های صاحب‌نظران اسلامی در باب هستی‌شناسی اسلامی، خداشناسی اسلامی، انسان‌شناسی و... را معرفی می‌کنند، مثل آثار علامه طباطبائی، امام خمینی، شهید مطهری، استاد مصباح و...

تمام این منابع در ابتدا به صورت موضوعی مورد جستجو و مطالعه قرار گرفت، در مرحله موضوع‌شناسی، هیچ منبع اصلی و درجه اول و هیچ متن دینی مناسب از دیدگاه این مطالعه پنهان نماند، پس از موضوع‌یابی، دستورالعمل‌های مربوط به آن موضوعات از متون دینی استخراج شد، در این مرحله تلاش بر این بود که جامعیت لازم حاصل شود و به تمام موضوعات به گونه‌ای پرداخته شود که به تمام زوایای پیدا و پنهان زندگی توجه بشود. دستورالعمل‌ها (شناختی، عاطفی و رفتاری)، با تمام پراکندگی که داشتند جمع‌آوری شدند. در کنار مسائل عملی، به اعتقادات بنیادین، مثل توحید، معاد، نبوت، وحی، هستی‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی و مسائل عاطفی مثل دوستی‌ها، دشمنی‌ها، حب و بغض‌ها، تولی و تبری،... نیز توجه شد، چرا که بسیاری از وظایف زندگی به طور مستقیم در متون ذکر نشده است، بلکه از این اصول استخراج می‌شوند. (اکنون حدود ۱۲۰ صفحه تحت عنوان «باید‌ها و نیاید‌های زندگی اسلامی» موجود است).

۲. باید و نیاید‌های استخراج شده، به تناسب نوع مطالب در چند گروه دسته‌بندی شدند.

الف) مطالبی که به زیربناهای تربیتی در دوران کودکی مربوط می‌شود و از اختیار متربی خردسال خارج است.

ب) مطالبی که به اعتقادات و نگرش‌های مبنائی متربی در زندگی روزمره مرتبط می‌شود و آنقدر کلی و زیر بنائی است که تمام زندگی متربی را در دوران مختلف زندگی تحت تاثیر قرار می‌دهد.

ج) مطالبی که مربوط به تصمیم‌گیری‌ها و عملکردهای متربی در موضوعات مختلف زندگی می‌شود.

۳. در هر کدام از دسته‌های فوق، محتواهای پراکنده فراوانی وجود داشت، برای اینکه ساختار منسجمی پیدا کند و ارایه آن در قالب یک نمودار ممکن شود، با توجه به «عام و خاص»، «کلی و جزئی»، «اهم و مهم»، «کل و جزء»، «اشتراکات لفظی»، «اشتراکات مفهومی» و دیگر آموزه‌های روش استنباط در علوم دینی، گزاره‌های مختلف را به یکدیگر تاویل برده و از تعداد و حجم آنها کاسته شد و در نهایت نمودار مورد نظر حاصل شد.

۴. مطالب حاصل شده طی دو نوبت، با متخصصان دینی و آشنا به علوم انسانی و رفتاری مورد مشورت و اصلاح قرار گرفت، به گونه‌ای که اکنون این مدل، جامعیت لازم را دارد، به تمام ابعاد زندگی توجه کرده است، به تمام منابع و ابعاد دینی مراجعه کرده است و محتوایی به بخش‌های مختلف این مدل نیز انجام شده است که فقط در حد پوشش یک مقاله، در اینجا به آن اشاره خواهد شد.

پیش فرض‌های اهداف تربیتی از دیدگاه اسلام

برای ارایه دیدگاهی جامع در باره اهداف تربیتی اسلام، چند پیش فرض وجود دارد که به اختصار اشاره می‌شود یاد آوری می‌شود که در این مقاله به دنبال اثبات و استدلال برای این دیدگاه‌ها نیستیم، بلکه همان طور که در عنوان آمدن است، آنها را به عنوان پیش فرض ارایه می‌کنیم:

الف) اسلام یک سیستم مفهومی جامع است: همه زندگی را پوشش می‌دهد، تربیت اسلامی نیز باید همه زندگی و ابعاد آن را پوشش بدهد. نمی‌شود اهداف تربیتی، بدون توجه به اهداف اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و... باشد؛ بلکه باید به گونه‌ای تنظیم شود که ناظر به همه باشد و همچون یک سیستم، انسجام و هماهنگی لازم با آنها را داشته باشد. «سیستم، مجموعه‌ای از عناصر با مجموعه‌ای از ارتباطات است که در تعادلی پویا بر حسب هدفی معین، سازمان یافته‌اند و کل، چیزی بیشتر از حاصل جمع اجزاء است» و چهار مفهوم پایه‌ای در خود دارد:

۱) عناصر آن، تعامل چند سویه دارند.

۲) کلیتی فراتر از حاصل جمع ساده اجزاء دارد.

۳) در دو جنبه ساختاری و کارکردی، سازمان یافته است.

۴) دارای درجاتی از پیچیدگی است که برای فهم آن، زمان کافی، دقت کافی، و روش مناسب لازم است.

چهار مفهوم ذکر شده در اسلام نیز وجود دارد، شهید صدر، نگاهی سیستمی به مفاهیم اسلامی دارد. آثار ایشان از جمله «فلسفتنا»، «اقتصادنا» و «مجتمعا» که ناتمام ماند و بعضی از سخنان ایشان به خوبی این دیدگاه را ترویج می‌کند.

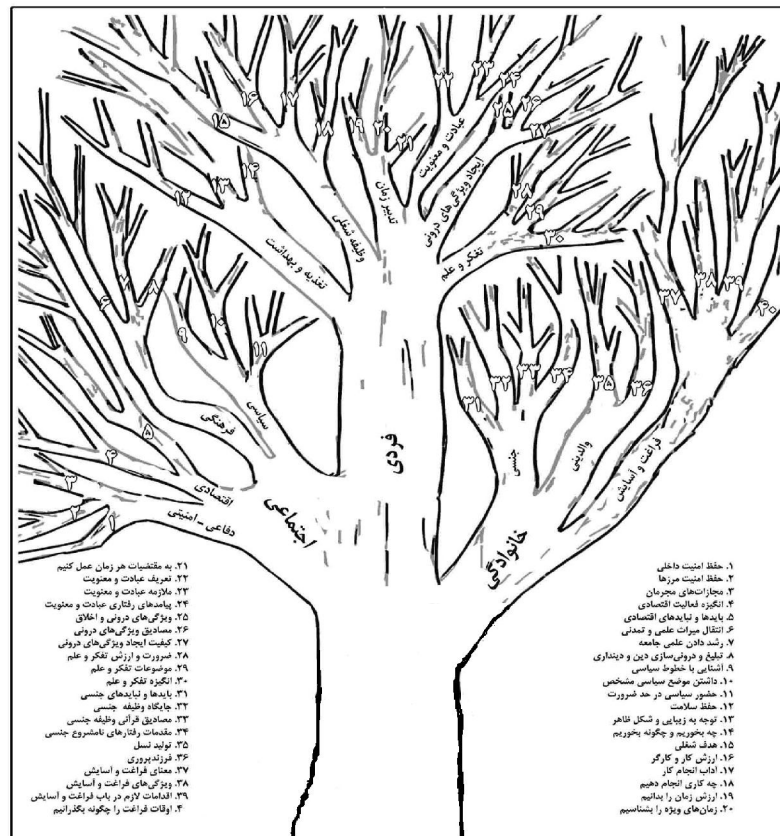
ب) اسلام نسبت به تمام ابعاد زندگی جامعیت دارد: استخراج و شکل

رکن مسلمانی را نیز تابع چهار نوع عمل یعنی «عبادات»، «عادات»، «مهلکات» و «منجیات» می‌داند. او هر یک از ارکان چهارگانه را نیز در ۱۰ اصل بیان می‌کند. شهید صدر مجموعه تعالیم اسلام را در چهار محور روابط انسان با خداوند، خود، دیگران و طبیعت دسته بندی می‌کند. مصباح یزدی (۱۳۶۹) طبقه بندی براساس و محور «الله» را مطلوب می‌داند و به صورت طولی (نه در عرض هم) ۱۰ طبقه را از پایه می‌کند؛ یعنی معارف قرآن مانند یک رودخانه جاری و آبشاری که از منبع فیض الهی سرزیر است، به هر بخشی و مرحله‌ای که می‌رسد، آنجا را سیراب می‌کند.

ج) اهداف تربیت اسلامی، همه یا هیچ نیست. یک پیوستار است: «با ایها الذین آمنوا، آمنوا بالله و رسوله و ...» (نساء/۱۳۶)؛ خداوند به ایمان آورده هاء، دو باره امر به ایمان می‌کند. این نکته اشاره

دهی اهداف تربیتی آن، نیز باید با مطالعه و دقت در تمام ابعاد آن باشد. هم متون دینی چنین اقتضائی دارد و هم روش استفاده و استنباط از متون (روش اجتهادی) چنین زمینه‌ای را فراهم می‌کند. هر گونه سؤال جدید و مستحدثه‌ای در این چارچوب قابل بررسی و پاسخ یابی است. صاحب نظران، تقسیم بندی‌های متفاوتی از ابعاد مختلف آن ارائه کرده اند. اما هیچ کدام از آنها برای برنامه ریزان و مربیان تربیتی که نیاز به کمی سازی و سنجش و دخل و تصرف در ریز ریز رفتارها را دارند، وافی به مقصود نیست، به عنوان مثال: قول مشهور و قدیمی که مورد پذیرش مرتضی مطهری (۱۳۷۹) نیز هست، تعالیم اسلام را بر سه محور اعتقادات، اخلاقیات و وظایف عملی (عبادات) قرار داده است. ابوحامد غزالی (۱۳۶۴)، عنوان مسلمانی برای افراد را تابعی از حضور چهار شناخت (شناخت خود، خداوند، دنیا و آخرت و

ترسیم کلی از مدل «اهداف تربیتی اسلام»



هدف غائی تربیت اسلام

نگرش به هستی	نگرش به زندگی	نگرش به خود	نگرش به مشکلات	نگرش به جنس مخالف
--------------	---------------	-------------	----------------	-------------------

شکل ۱: نمودار درختی (مخروطی) شکل اهداف تربیتی اسلام از دیدگاه این پژوهش

در اسلام یک هدف غائی بیشتر متصور نیست و با ویژگی‌های زیر شناخته می‌شود: با فطرت همساز است، جامعیت دارد، بر انگیزاننده است، نامحدود است و با هدف زندگی منطبق است؛ اما در این که آن هدف غائی چیست، بین صاحب نظران اسلامی اختلاف نظر وجود دارد که به اقوال متعدد اشاره شد؛ اما این اختلاف نظر، بیشتر لفظی و صوری است تا مفهومی و زیربنائی و برای عالمان تربیت اسلامی تفاوتی ایجاد نمی‌کند، چون اهداف واسطه‌ای و رفتاری که از آموزه‌های اسلامی استنباط می‌شود، مورد اختلاف صاحب نظران نیست، به ویژه هر چه به اهداف رفتاری جزئی و عینی نزدیک تر شویم وحدت نظر بیشتر می‌شود؛ بنابراین در برنامه ریزی‌های آموزشی و تربیتی، اخلاقی ایجاد نمی‌شود. این پژوهشگر، تمام زیربناهای نگرشی این مدل و اکثر اهداف فردی، خانوادگی و اجتماعی را به طور کامل با استفاده از آیات و روایات، محتوا دهی کرده است؛ ولی ارایه محتوای همه مبانی و اهداف (یا وظایف) واسطه‌ای و رفتاری به طور کامل در یک مقاله امکان ندارد. عالمان تربیت اسلامی باید تلاش کنند تا هم زیربناهای نگرشی، در عمق وجود افراد جای بگیرد، هم اهداف رفتاری مبتنی بر آن نگرش‌های زیرین در فرد و خانواده و جامعه جریان پیدا کند. تربیت اسلامی نمی‌تواند به صورت برشی، به بعضی از این مباحث بپردازد و به بقیه موارد بی توجه باشد.

الف) نمونه‌هایی از نگرش‌های زیر بنائی در تربیت اسلامی

مدل درختی (مخروطی) تربیت اسلامی، نگرش‌های کلی متعددی ارایه کرده است که در تمام رفتارهای زندگی روزمره انسان حضور جدی دارند، در ابتدا با نگاه به ظاهر رفتار انسانها، تفاوت آشکاری بین مسلمان و غیر مسلمان معلوم نیست، چرا که نیازها مشترک است، همه می‌خورند، می‌آشامند، بازار می‌روند، کار می‌کنند، ازدواج می‌کنند، تعامل دارند، خرسند و ناخرسند می‌شوند. به عبارت دیگر، رفتارهای ظاهرا مشابه مسلمان و غیرمسلمان، یکسان دآوری نمی‌شوند، چون نگرش‌های زیربنائی، بسیار تعیین کننده هستند. نگرش‌های اساسی شش عدد است. تعیین تعداد این نگرش‌ها، با استناد به آموزه‌های دینی نیست. در جائی از متون دینی، آیه یا روایتی نداریم مبنی بر اینکه، نگرش‌های اساسی زندگی انسان، شش عدد باشد؛ اما در بین مباحث سبک زندگی، به ویژه در مباحث «روانشناسی فردی» از نظر روانشناسی معروف آلفرد آدلر، این شش نگرش اساسی مطرح شده و از نظر دیگران نیز تلقی به قبول شده است. از نظر تحلیل عقلی در مباحث مربوط به زندگی، نیز این تقسیم قابل قبول است، چون علی رغم اینکه «نگرش به جنس مخالف» می‌توانست زیر مجموعه «نگرش به دیگران» قرار بگیرد، لکن به خاطر مباحث فراوانی که در دنیای کنونی در حول این محور

به مراتب ایمان دارد. در وصف منافقینی که از رفتن به جبهه به بهانه‌های واهی، اجتناب کردند، می‌فرماید: «...هُمُ لِّلْكَفْرِ يَوْمَهُدٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ...» (آل عمران/۱۶۷)؛ آنها امروز به کفر نزدیک تر هستند تا به ایمان». این گونه تعبیر کردن به خوبی، پیوستاری بودن مفهوم ایمان را نشان می‌دهد. در جای دیگر نیز می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تَلَيَّتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (انفال/۲)؛ چون آیات خدا بر مومنان خوانده شود بر ایمانشان افزوده می‌شود. پس معلوم می‌شود که در ایمان، کاستی و فزونی وجود دارد. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْأُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ...» (فتح/۴)؛ او در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند. این حالت پیوستاری، نه فقط در باب ایمان، بلکه در بعد مقابل آن (کفر) نیز وجود دارد. خداوند می‌فرماید: «وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ» (توبه/۱۲۵)؛ و اما کسانی که در قلب‌هایشان بیماری است، پلیدی بر پلیدی‌شان افزود و در حال کفر در می‌گذرند. آیات دیگری نیز به دلالت التزامی این معنی را می‌رساند. «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» «أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (واقعه/۱۰ و ۱۱)

آنچه در شکل «۱» آمده است، کلیت و دورنمایی از اهداف تربیتی اسلام را به نمایش می‌گذارد، هدف اصلی این پژوهش ارایه این قالب و مدل بود، محتوای این مدل، مستخرج از آیات قرآن است. مطلبی خارج از آیات و روایات ندارد و تلاش شده است تا جامعیت لازم را نیز داشته باشد. شکل دهی و قالب بندی آن، سلیقه و تشخیص محقق است.

همان طور که از شکل پیدا است، تربیت صحیح اسلامی باید سه حیطه فردی، خانوادگی و اجتماعی را شامل باشد. در رده اول، در حیطه خانواده سه هدف جنسی، والدینی، و فراغت و آسایش، قرار می‌گیرند که هر کدام به اهداف ریزتری تقسیم شده‌اند.

در حیطه فردی، اهداف تفکر و علم، عبادت و معنویت، تدبیر زمان، تغذیه و بهداشت، وظیفه شغلی، و شکل دهی ویژگی‌های درونی قرار می‌گیرند که باز هر کدام به اهداف ریزتری تقسیم می‌شوند. در حیطه اجتماعی، اهداف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و دفاعی امنیتی قرار می‌گیرند که هر کدام در چند نوبت قابل تقسیم به چند هدف زیرین نیز هستند.

بدیهی است که محتوا دهی کامل آن، در این مقاله نمی‌گنجد. این پژوهش از باب نمونه فقط به محتوای دو مورد از نگرش‌های اساسی (نگرش به جنس مخالف و نگرش به مشکلات) و یک مورد از اهداف (اهداف خانوادگی که شامل هدف جنسی، هدف والدینی و هدف فراغت و آسایش می‌شود) اشاره کرده است و پرداختن به بخش‌های دیگر این مدل را به مقاله یا مقالاتی دیگر با همین عنوان (قسمت‌های بعدی) وا می‌گذارد.

وظایف زندگی، میل به حضور اجتماعی و... قابل توجه است. بسیاری از تفاوت‌های آنها مبنای مکمل بودن آنها نسبت به یکدیگر است، به گونه ای که اگر آن تفاوت ها نبود، زندگی انسان ها به ویژه زندگی خانوادگی آنها با مشکل مواجه می‌شد. گو اینکه قرآن کریم در آیاتی مانند: «هو الذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها لیسکن الیها» (اعراف/۱۸۹) و (روم/۲۱) که آرامش زن و مرد را بیان کرده است، اصالت را در ایجاد این آرامش به زن داده است و او را در این امر روانی اصل دانسته و مرد را مجذوب مهر زن دانسته است. آنان هر کدام برای دیگری حکم لباس را دارد. «هن لباس لکم و انتم لباس لهن» (بقره/۱۸۷)

زن و مرد تشابهات جسمانی و روانی دارند: در ویژگی‌های جسمانی مثل دستگاه گردش خون، دستگاه عصبی، دستگاه گوارش، دستگاه تنفسی و زیر مجموعه‌های آنها کاملاً مشابه هستند. در بسیاری از شناخت‌ها و انگیزه‌های انسانی با یکدیگر شباهت دارند. سلسله مراتب انگیزه‌های مادی، انگیزه‌های معنوی و متعالی برای هر دو جنس است. اگر قرآن ویژگی‌های مثل منوع، عجول، هلوغ، هماز، نمیم، جزوع، کفور، ضعیف، خدا جوی فطری، مخلص، متقی، مهتدی، و... را به انسان نسبت می‌دهد، برای هر دو جنس است، اگر انسان دارای نفس‌های اماره و لوازمه و مطمئنه است، برای هر دو جنس است. اگر قرآن دعوت به کار خیر و تلاش و نوع دوستی و... می‌کند، برای هر دو جنس است. اگر قرآن وعده پاداش و بهشت و جهنم می‌دهد، برای هر دو جنس است و اگر جسم انسان با مرگ از بین می‌رود و روح او باقی می‌ماند، برای هر دو جنس است.

بر اساس تشابهات، در خیلی از وظایف هم مشترک هستند: ممنوعیت در اموری مثل تشبه، مصافحه، نگاه شهوت آمیز، بوسیدن نامحرم، شوخی کردن، خلوت با جنس مخالف و استمداد از خدای رحمان در این زمینه و... برای هر دو جنس است. قرآن هم از رفتار مریم (س) تمجید می‌کند که چون نگاهش به ناآشنائی می‌افتد که در مقابل او ظاهر شده است، به خدای رحمان پناه می‌برد.

«قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» (مریم/۱۸)، هم رفتار یوسف (ع) را می‌ستاید که خود را تبرئه نکرد چون می‌دانست نفس انسان پیوسته به بدی فرمان می‌دهد. «وَمَا أَبْرَأُ نَفْسِي إِنْ النَّفْسُ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (یوسف/۵۳)

رسول خدا (ص) لعنت کرده است مردان و زنانی را که خود را به جنس دیگر شبیه می‌کنند. امام باقر (ع): «لا یجوز ان تشبه بالرجال لان رسول الله لعن المشبهين من الرجال بالنساء ولعن المشبهات من النساء بالرجال»، مصافحه با زن نامحرم موجب غضب خدا است. «رسول اکرم (ص): من صافح امرأه تحرم علیه فقد باء سخط من الله عز وجل». مرد نامحرم، دختر بچه ۶ ساله را نبوسد. «ابی عبدالله (ع): اذا بلغت الجارية الحرة ست سنين فلا یبغی لک ان تقبلها» زن نامحرم پسر بچه ۷ ساله را نبوسند. زنان و مردان چشم‌هایشان را از نامحرم

مطرح است، می‌شود آن را مهم تلقی کرد و به عنوان ذکر خاص بعد از عام به صورت مستقل از آن بحث کرد و همین‌گونه است راجع به «نگرش به مشکلات» که می‌شد آن را زیر مجموعه «نگرش به زندگی» دانست، لکن به خاطر اهمیت و تاثیر گذاری فراوان آن، به صورت مستقل مورد توجه قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که هر کدام از این شش نگرش به تفصیل در مباحث روانشناسی فردی و سبک زندگی مورد بحث قرار گرفته‌اند. (نگرش به هستی، خود، دیگران، زندگی، جنس مخالف و مشکلات) که نگرش‌های جزئی‌تر را به صورت مخروطی شکل تحت پوشش خود دارند، این مقاله به «نگرش به جنس مخالف» و «نگرش به مشکلات»، به عنوان نمونه پرداخته و برجایگاه و اثر گذاری آنها تاکید کرده است. با بررسی این دو نگرش به خوبی معلوم می‌شود که بین وضعیت موجود در جامعه و وضعیت مطلوب اسلام، فاصله بسیار زیادی وجود دارد و این به معنی محقق نشدن تربیت اسلامی در جامعه است.

الف - ۱- نگرش اسلامی به جنس مخالف:

از نظر قرآن تردیدی در تساوی زن و مرد در دسترسی به ارزش‌های انسانی نیست؛ اگر سخن از ایمان، عبادت، راستگویی، شکیبائی، فروتنی، صدقه دادن، روزه گرفتن، پاکدامنی، به یاد خدا بودن، مغفرت و اجر الهی مطرح است، برای هر دو جنس است. «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ...» (احزاب/۳۵)

معیار برتری فقط تقوای الهی است و زنان و مردان در رسیدن به آن امکان مساوی دارند. «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» (حجرات/۱۳) زن و مرد، در انسانیت برابرند، سه ویژگی انسانی اختیار، مسؤلیت پذیری و توان ارتقاء و کمال را دارند. «وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...» (توبه/۷۲)

زن برای کمال یابی مرد خلق نشده است، بلکه هر دو برای کمال یابی خلق شده‌اند. در قیامت، زنان و مردان مومنی، دارای نوری هستند که پیشاپیش آنان در حرکت است. «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ...» (حدید/۱۲)، حقیقت انسان نه مذکر است، نه مؤنث، قرآن می‌گوید این دو را از چهره ذکورت و انوئت شناسید، بلکه از چهره انسانیت شناسید، حقیقت انسان را روح او تشکیل می‌دهد، نه جسم او و نه مجموع جسم و روح او؛ و روح نه مذکر است نه مؤنث، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها نیز نه مذکرند نه مؤنث. زن و مرد دو جنس مکمل هم هستند: هیچ کدام بدون دیگری احساس خوشبختی و آرامش ندارد. این مطلب از جهات مختلفی مثل ساخت بیولوژیک، جنسی و ادامه نسل، ویژگی‌های روانی، شخصیت، توانائی‌های جسمانی و روانی، تقسیم

و انسانی آنها می‌شود، محروم نشوند. مدل تربیتی در جامعه اسلامی باید به گونه‌ای فضای خانوادگی و اجتماعی را فراهم سازد و زنان در منزل آن چنان مورد تکریم و احترام قرار گیرند که مانند در منزل را ترجیح دهند. «قرن فی بیوتکن» (احزاب/۳۳) و اگر خارج می‌شوند، از روی اضطرار باشد.

الف - ۲ - نگرش به مشکلات

مشکلات آزمایش است: روح تعالیم اسلامی، آزمایش و امتحان را یک مفهوم کلیدی قرار داده است که به هیچ وجه درباره هیچ فرد و قومی از آن صرف نظر نمی‌شود، همان طور که در امت‌های گذشته از قبیل قوم نوح، عاد، ثمود، ابراهیم، لوط، شعیب، موسی، و... جریان یافت و جمعی استقامت ورزیده و جمعی هلاک شدند؛ در امت‌های حاضر و آینده نیز جریان خواهد داشت. «ایها الناس ان الله قد اعادکم من ان یجور علیکم و لم یعدکم من ان یتلکم، جل من قائل» «ان فی ذلک لآیات و ان کنا لمبتلین» (طبا طبائی، ۱۳۹۱ق)؛ ای مردم خداوند شما را پناه داده است که بر شما ستم روا ندارد، اما پناهتان نداده است که مورد آزمایشتان هم قرار ندهد. «أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت/۲)؛ آیا مردم گمان کردند همین که بگویند ایمان آوردیم، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد. ما کسانی را که قبل از آنان (مسلمانان) بودند آزمودیم. «وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» (عنکبوت/۳) و اژه ابتلاء هم برای خوبی‌ها و نعمت‌ها به کار می‌رود و هم برای سختی‌ها و نِقمت‌ها، «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ» «وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ» (فجر/۱۶-۱۵)، در قرآن کریم حدود ۲۷ مرتبه واژه بلاء و ابتلاء و ۲۴ مرتبه واژه فتنه آمده است. واژه‌های دیگری همچون تمحیص، تمییز و... نیز به کار رفته است.

آزمایش الهی به تمام مسائل زندگی تعمیم می‌یابد

تمام لحظات زندگی آزمایش است «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره/۱۵۵)، عزیزترین افراد و اشیاء، ابزار امتحان هستند، «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (انفال/۲۸) افراد ابزار امتحان یکدیگرند. «ولکن لیبیلوا بعضکم ببعض» (محمد/۵) غریز، از جمله غریزه جنسی «وَلَيَسْتَعْفِفَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» (نور/۳۳) ابزار امتحانند، سختی و آسانی، خوبی و بدی، نعمت و مصیبت، همه اسباب آزمایشند. «کل نفس ذائقة الموت ونبلوکم بالشر و الخیر فتنه و الینا ترعون» (انبیاء/۳۵) «پیامبر (ص) به امام علی (ع) فرمود: این مردم به زودی با اموالشان دچار فتنه و آزمایش می‌شوند و در دین داری بر خدا منت می‌گذارند و انتظار رحمت دارند و از قدرت و خشم او خود را ایمن می‌پندارند... امام علی

فروبویندند. «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...» (نور/۳۱) زن و مرد تفاوت‌های جسمانی و روانی مشخصی دارند: زن و مرد به ویژه در دستگاه تناسلی، صفات ثانویه جنسی، سرعت و مراحل رشد، لطافت و توانایی جسمانی، شدت و ضعف در بعد عاطفی، نوع علاقه‌ها و گرایش‌ها در زندگی خانوادگی و اجتماعی تفاوت‌های مشخصی دارند. نگره‌های اخیر روان‌پویایی، تجارب زن را کاملاً متمایز از مرد بیان می‌کند. اریکسون (۱۹۶۴) برای زن، در مراقبت از کودکان تعهدات زیستی، روانشناختی و اخلاقی و احساسی قائل است و هویت مرد را در تحریک، هیجان، تلاش برای پیشرفت، حادثه‌جویی و فعالیت‌های سیاسی تعریف می‌کند. این تفاوت‌ها هر کدام منشاء بسیاری از تفاوت‌های رده‌بندی می‌شوند، به عنوان مثال، بارداری با واکنش‌هایی مثل افزایش وزن، بزرگ شدن شکم، تورم و حساسیت در سینه‌ها، حالت تهوع، استفراغ، خستگی و تکرر ادرار، تمام اعضا و جوارح بدن زن را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بارداری، به دنبال خود حس مادری، شیردهی، فرزند پروری، و ... را دارد. عاطفی بودن و لطافت و دلبری زن به دنبال خود، حس خانواده‌داری و شوهر‌داری و ... را دارد. بر اساس این تفاوت‌ها، یک سری تفاوت‌های رفتاری برای زن نسبت به مرد و مرد نسبت به زن نیز ضروری می‌نماید که معمولاً در وظایف زندگی مورد بحث است.

تفاوت در وظایف، به تناسب ویژگی‌های جسمانی و روانی آنها است: یکی از علل تفاوت بین زن و مرد این است که اولاً باید زندگی به احسن وجه اداره بشود، ثانیاً تا بهره‌گیری متقابل صورت نگیرد و هماهنگی بین افراد و طبقات متفاوت ایجاد نشود، نظام به احسن وجه اداره نمی‌شود. «أَهُمْ يَسْمُونَ رَحْمَةً رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا وَرَحْمَتِ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» (زخرف/۳۲) جلال زن در جمال او نهفته است و جمال مرد در جلال او تجلی می‌یابد و این توزیع کار نه نكوهشی است برای زن و نه ستایشی است برای مرد، بلکه رهنمود و دستور عملی هر کدام از آنها است.

اگر زن عاطفی و ریحانه است، باید از بد خلقی‌های کوچک و خیابان محفوظ بماند، اگر پرورش فرزند در دامان مادر موفق‌تر از مهد کودک است و اگر فرزندان سرمایه‌های ارزشمند جامعه هستند، و اگر مادران به صورت طبیعی دوست دارند که فرزندان‌شان را بزرگ کنند، پس در مدل تربیت اسلامی وظیفه اولیه زنان پرورش فرزندان است و در حد ضرورت‌های فردی و خانوادگی و اجتماعی، زن وارد اجتماع شود، آن‌هم در مشاغل مثل نهادهای آموزشی، درمانی و خدمات انسانی که با روحیه عاطفی و فرزند پروری و خانواده دوستی او سازگاری داشته باشد. مشاغل خانم‌ها باید اولاً به وظیفه طبیعی و مورد علاقه آنها یعنی خانواده و فرزند پروری آسیب وارد نکند، ثانیاً، نیروی مفید آنها به عنوان نیمی از افراد جامعه به هدر نرود، ثالثاً، از حضور در زمینه‌هایی که باعث تکامل روحی و معنوی

و برای انبیا ارتقا درجه است. (بحار، ج ۶۷) خداوند مومنان را با بلا و گرفتاری، پاک و خالص می گرداند. (آل عمران/۱۴۱) در بهشت منزلتی است که هیچ بنده ای بدان نرسد مگر با بلائی که در دنیا به بدنش برسد. (بحار، ج ۶۷)

دنیا مکان مشکلات و رنج ها است

دنیا زندان مومن است و از زندان نمی توان انتظار آسایش و راحتی داشت، (بحار، ج ۶۷) مومن در این دنیا همواره با پنج نوع سختی دست و پنجه نرم می کند؛ مومن دیگری که به او حسادت می ورزد، منافقی که کینه او را به دل می گیرد، کافری که به جنگ با او اقدام می کند، هوای نفسی که با او همواره کشمکش دارد و شیطانی که در صدد گمراه کردن اوست. (کنز العمال، ۸۰۹) به خدا قسم علاقه فرزند ابوطالب به مرگ بیشتر است از علاقه کودک به پستان مادر. (نهج البلاغه، خطبه ۵) «شوق به کام کشیدن پستان مادر، حکیمانه نیست بلکه کودکانه است، پس به مرور کاسته می شود، ولی شوق علی به شهادت و مرگ، حکیمانه است و هر روز شعله ور تر می شود.» (جوادی آملی، ۱۳۸۱) امام سجاد (ع) اکراه دارند از اینکه مومن در این دنیا در راحتی کامل به سر برد و هیچ مصیبتی به او نرسد. (بحار، ج ۸۱)

ب) نمونه ای از اهداف واسطه ای و رفتاری در تربیت اسلامی

اهداف زندگی به سه گروه فردی، خانوادگی و اجتماعی تقسیم شده اند که هر کدام چند شاخه فرعی و هر شاخه فرعی چند سر شاخه دارد و این تقسیم بسیار ریز می شود، شاخه ها و سرشاخه ها تا سه ردیف در مدل درختی (شکل ۱) آمده است. برای رعایت اختصار فقط بعضی از شاخه ها و سرشاخه های وظایف خانوادگی ترسیم شده است.

ب- ۱ - اهداف رفتاری در خانواده

هدف خانوادگی آن است که در قالب حضور در خانواده معنی پیدا می کند، این اهداف متعدد هستند، قرآن خانواده را بسیار مهم تلقی کرده است به عنوان مثال بعضی از قوانین عبارتند از: سرپرستی نظام خانواده با مرد است. همسر و فرزند و نوه و رزق طیب و... همه از نعمت های الهی محسوب می شوند. شوهر در هر موقعیتی باید توجه به نیازهای خانواده داشته باشد. به حقوق زنان، یتیمان، مستضعفان توجه شده است. به حقوق خانواده اهمیت بسیار داده شده است. در اختلافات، محکمه صلح فAMILI تشکیل شود... زنان نباید از وظایف شرعی خود نسبت به شوهر سرپیچی کنند. مرد نباید زن را تحت فشار اقتصادی قرار دهد، مؤمنان نباید برادران و پدران خود را اگر کافرند، یار و متحد خود قرار دهند.

(ع) پرسید، آیا مردم آنگاه در حال ارتدادند یا آزمایش؟ (ص) فرمود: در حال آزمایش «نهج البلاغه، ترجمه دشتی، خطبه ۱۵۶».

مشکلات باعث تصحیح نگرش ها می شوند

ایمان کامل، بلاها و سختی ها را نعمت می داند و آسایش و رفاه زیاد را مصیبت تلقی می کند، چرا که صبر و تحمل بر بلا، ارزشمند تر است از غفلتی که به هنگام رفاه حاصل می شود. نباید در رفاه و ثروت دل شاد کرد و در تهیدستی و گرفتاری، اندوه به دل راه داد، چون طلا با آتش، ناب می شود و مومن با بلا و گرفتاری. «هرگاه پروردگارت بالای پی در پی بر تو نازل کرد، شاکر باش و هرگاه نعمت پیاپی به تو رسید، از او پروا پیشه کن» (غرر الحکم، ۴۰۸۲).

مشکلات، ارج گذاری خداوند به مومنان است

تصور خام و اولیه انسان بر این است که خداوند برای بندگان مومنش در این دنیا کمتر رنج و عذاب قرار می دهد، اما اینگونه نیست، بلکه در این دنیا نباید انتظار آسایش و راحتی داشت. خداوند هرگاه بنده ای را دوست بدارد، او را در گرداب بلا فرو می برد. (اصول کافی، ج ۲) سرعت بلا به سوی مومن بیشتر است از سرعت باران از فراز تپه ها به گودال های زمین. (بحار، ج ۶۷). مومن همانند کفه ترازو است، هر قدر ایمان او افزوده شود، بلاء و گرفتاری و آزمایش او افزوده می شود. (اصول کافی، ج ۲) این قانون را می شود در زندگی انبیا و اولیاء الهی، نیز مشاهده کرد. (اعراف/۹۴) گرفتار ترین مردم، پیامبران بوده اند، در درجه بعد، کسانی که در فضیلت، بعد از آنان هستند. (اصول کافی، ج ۲) خداوند می فرماید: اگر نه بیم آن بود که مردم همه کافر شوند، برای خانه های کافران سقف ها و نردبان هائی از نقره قرار می دادم که بر آنها بالا روند و برای خانه هایشان نیز درها و تخت هائی که بر آنها تکیه زنند و زر و زیورهای دیگری که همه آنها جز متاع زندگی دنیا نیست. (زخرف/۳۳ و ۳۴) همان طور که مرد خانه، با خوراکی های نوبرانه، خانواده خود را گرمی می دارد، خداوند نیز بنده مومن خود را با انواع بلاها گرمی می دارد. (بحار، ج ۶۷) در حقیقت کرامت های خداوند، پایانه هائی است که آغاز آنها بلا است. (بحار، ج ۷۸) خداوند بنده مؤمن خود را با بلا تغذیه می کند همچنان که مادر، فرزند خود را با شیر. (میزان الحکمه، ج ۲)

مشکلات باعث کمال مومن می شود

خداوند بندگان را با انواع سختی ها می آزمایشد و با رنج و کوشش های گوناگون به بندگی و ادراشان می کند تا خود بزرگ بینی را از دلشان بیرون کند و فروتنی را در جانشان جای دهد. (نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ۱۵۶) بلا و گرفتاری برای ظالم ادب، برای مومن امتحان

نباید زندگی روزمره (پدر و مادر، فرزند و برادر و همسر و عشیره و اموال و تجارت و...) در نظر مسلمان محبوب تر از خدا و رسول خدا و جهاد در راه خدا باشد. طلاق باید بر اساس احکام اسلام اجرا شود که سخت گیرانه است. خانواده به طور کلی عهده دار سه هدف مهم است، الف) هدف جنسی، ب) هدف والدینی، ج) هدف آسایش و فراغت.

ب-۱-۱- هدف جنسی

قرآن به این موضوع توجه کامل دارد، آیات مربوط به آن در دو گروه طبقه بندی شده است: الف) آیاتی که اصل وجود این نیرو را به رسمیت می‌شناسند ب) آیاتی که به بایدها و نبایدهای جنسی، تصریح یا اشاره دارند، به بعضی از آیات و در انتها به بعضی مصادیق آن اشاره شده است.

جایگاه هدف جنسی

اسلام در مورد هدف جنسی، دیدگاهی کاملا معتدل دارد، گزینه جنسی یکی از نعمت‌های بزرگ الهی و حکیمانه ترین وسیله ای است که تداوم زندگی بشر و بقای نوع انسانی را تضمین می‌کند. اسلام بین معنویت و بهره مندی از گزینه جنسی منافاتی نمی‌بیند، بلکه بهره مندی صحیح از این گزینه را باعث تکامل معنوی انسان می‌داند. «هرکس می‌خواهد که خدا را با پاکی ملاقات کند، باید بوسیله همسرش طلب عفت نماید» (فروع کافی، ج ۵)، ازدواج سنت پیامبر است و هر که ازدواج نکند پیرو او نیست، با ازدواج نصف دین و با تقوا نصف دیگر حفظ می‌شود. از ازدواج به موقع جوانان، شیطان ناله می‌کند. پیامبر در عکس العمل به شکایت زنانی که شوهرانشان از گزینه جنسی و بوی خوش اجتناب می‌کردند، ناراحت شده و فوراً در مسجد به بالای منبر رفته، آن افراد را سرزنش کردند.

باید ها و نبایدهای جنسی

چشم فرو بستن از نامحرم و پاکدامنی و رزیدن «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَيْدِيهِمْ وَيَحْفَظُوا أَرْوَاحَهُمْ...» (نور/۳۱-۳۰)؛ آشکار نکردن زینت‌ها توسط زنان برای نامحرم «...وَلِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...» (نور/۳۱)، منع ازدواج مردان و زنان مؤمن با مردان و زنان غیرمؤمن «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَا مَئِمَّةً مُؤْمِنَةً حَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا أَعْتَبَتْكُمْ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا...» (بقره/۱۸۷)، منع آمیزش جنسی به هنگام عادت ماهانه «...فَاعْتَرَلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ...» (بقره/۲۲۲) و عدم منع آن در شبهای ماه رمضان «أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثَ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٍ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَّهُنَّ...» (بقره/۱۸۷)، نهی فرزندان در

سه وقت برای ورود به اطاق والدین «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ أَذْنُكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ...» (نور/۵۸)، ممنوعیت زنا «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء/۳۲)، سخت گیری در باب تهمت زنا به دیگران زدن «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً...» (نور/۴)، تنبیه زنان و مردان زناکار بدون دلیسوزی، «إِذَا زَانَتْ نَفْسٌ فَاسْأَلُوا عَنْهَا حَتَّى تَسْمَعُ رَدًّا مِنْ أَرْبَعَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ...» (نور/۲).

ممنوعیت هم جنس گرایی «وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمَنْ قَبَّلَ كَيْدًا أُولَئِكَ الْفٰسِقُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ» (هود/۷۸) تجویز ازدواج مجدد با شرایط خاص «وَالْمُطَلَقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ...» (بقره/۲۲۸). لزوم رعایت حیا در راه رفتن توسط خانم‌ها «فِجَاءَهُنَّ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا...» (قصص/۲۵) و...

فقط بعضی از باید ها و نبایدهای جنسی هستند که غیر مستقیم، گزینه جنسی را به رسمیت شناخته‌اند.

بعضی از مصادیق قرآنی

اگر یوسف (ع) از زلیخا فرار کرد، نه از این جهت بوده که میل جنسی نداشته، بلکه از این جهت بوده است که ارزش و لذت بالاتری را درک کرده و آن، پیروی از فرمان خدا بوده است و الا او هم به همان شدت که زلیخا علاقه نشان داد، شیفته می‌شد. جریان موسی (ع) و دختران شعیب (ع) نیز نیاز جنسی و لوازم آن را به رسمیت می‌شناسد. تمام آیات مربوط به بهشت و حوربان بهشتی نیز بیانگر توجه به میل جنسی در انسان‌هاست. چه اینکه اگر وعده پاداشی داده می‌شود، باید مورد توجه و علاقه فرد باشد تا مؤثر واقع شود. آیاتی مربوط به تولید مثل نیز بیان کننده این معنی است.

ب-۱-۲ - اهداف والدینی

هدف تولید نسل: انجام این هدف در غیر خانواده، آسیب‌های فردی و اجتماعی فراوان به دنبال دارد، اصل اول در اسلام بر تکثیر اولاد است. قرآن به صراحت در باره تکثیر نسل سخن نگفته، ولی آیات متعددی که به ازدواج اشاره کرده‌اند، لازمه قطعی آن ولادت فرزند است.

درخواست فرزند نیک توسط بعضی از انبیاء مثل حضرت زکریا (ع) و بعضی بندگان خوب خدا و احادیث متعدد نیز مؤیدی بر این مطلب محسوب می‌شود. پیامبر (ص) فرمود: ازدواج کنید، فرزند بیاورید که من در روز قیامت به کثرت شما در نزد امت‌های دیگر

ریزی شود. یکی از سه بخش از اوقات فرد باید صرف استفاده از لذت‌های حلال زندگی (شامل خواب و استراحت، گفتگو با همسر و فرزندان، دید و باز دید اقوام و بستگان، رفتن به پارک و صحرا و کوه و بازی و بازار، مسافرت‌های سیاحتی و زیارتی و...) بشود.

این بخش همان است که امروزه در اصطلاح فارسی به عنوان اوقات فراغت از آن یاد می‌شود، لکن این لذت‌ها در اسلام، باید در متن برنامه ریزی زندگی مؤمنان باشد، نه اینکه هرگاه فرصتی شد و از هر کار دیگر فارغ شدیم، آنگاه به این امور بپردازیم.

ویژگی‌های اوقات فراغت از دیدگاه اسلام (الف) قسمتی از عمر با ارزش انسان است

پیامبر(ص) می‌فرماید: شب و روز دو مرکب راهوارند، پس برای رسیدن به آخرت از آنها بهره‌گیری. (الجامع الصغیر، ج ۲) امام علی(ع) در تفسیر آیه شریفه (قصص/۷۷) «بهره خود از دنیا را فراموش نکن» می‌فرماید: یعنی به یاد داشته باش که با بهره‌گیری از سلامتی، نیرو، فراغت، جوانی و شادابی‌ات، باید آخرت را به دست آوری. (معانی الاخبار، ص ۳۲۵)

(ب) زودگذرند

فرصت‌ها به سرعت از دست می‌روند. آنها را دریابید (بحار الانوار، ج ۷۸) چون مثل ابر می‌گذرند. (نهج البلاغه، حکمت ۲۱).

(ج) به آسانی به دست نمی‌آیند

فرصت‌های پیش آمده را صید کنید که اگر از دست بروند دیگر آنها را به دست نمی‌آورید. (غرر الحکم، ج ۶۴۴۳) بازگشت فرصت‌ها بعید است. (غرر الحکم، ج ۶۳۴۰) به کندی باز می‌گردند. فرصت غنیمت است. (بحار الانوار، ج ۷۸)

(د) از دست دادن آنها موجب پشیمانی است

اندوه در پی خواهد داشت. (غرر الحکم، ج ۴۱۲۴) فرصت انجام کار خیر را به سرعت دریابید و الا پشیمان خواهید شد. (غرر الحکم، ج ۳۵۹۸) هر که فرصت‌ها را به چنگ آورد، از اندوه‌ها در امان باشد. (غرر الحکم، ج ۸۰۶۳)

اقدامات شایسته درباره اوقات فراغت

(الف) - انتظار کشیدن برای اوقات فراغت

امام حسن (ع) در پاسخ به سوال پدر در مورد دوراندیشی فرمود:

مباهات می‌کنم. (بحار، ج ۴۴) از صفات خوب زنان، فرزندزائی بیشتر و محبت بیشتر است. یکی از باقیات الصالحات عبارت است از فرزند نیک؛ فرزندی که در کودکی از دنیا برود، ذخیره پیش فرستاده شده والدین است. (موجه البیضاء، ج ۳) لکن به طور مطلق، تکثیر اولاد تشویق نمی‌شود، چرا که با بررسی تمام آیات و روایات و ادله عقلی، معلوم می‌شود که تربیت فرزند، بسیار اساسی و مهم است. روایاتی نیز به صراحت به کاهش نسل توصیه می‌کنند، از جمله امام علی (ع) می‌فرماید: کم بودن افراد تحت تکفل یکی از دو آسودگی است. (نهج البلاغه، کلمه قصار ۱۳۵)

هدف فرزند پروری

هیچ نهادی جز خانواده، امکان فرزند پروری موفق و کامل را ندارد. وابستگی عاطفی ای که بین والدین به ویژه مادر با فرزند ایجاد می‌شود، در هیچ جای دیگری یافت نمی‌شود.

خانواده اسلامی، همه داشته‌های دینی خود را به روش‌های مقتضی به فرزندان خود انتقال می‌دهد. مسائل اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و... را به تربیت فرزند خود وارد می‌کنند.

ب- ۱- ۳ - هدف فراغت و آسایش

بیشترین و بهترین فراغت‌ها در خانواده و در کنار همسر و فرزندان و خانواده بزرگ تر معنی پیدا می‌کند، به همین دلیل این پژوهش، آن را از جمله وظایف خانوادگی به شمار می‌آورد. در موضوع فراغت مباحث متعدد و متنوعی قابل طرح است:

معنای فراغت و آسایش

منظور از اوقات فراغت، فرصت و زمانی است که انسان مسئولیت پذیر، هیچ گونه تکلیف یا کار موظفی را عهده دار نیست، پس از انجام تکالیف، اکنون زمان در اختیار اوست که با میل و انگیزه شخصی به امر خاصی بپردازد. لکن معنای فراغت در روایات، متفاوت با معنای فارسی آن است.

در روایات، فراغت، مذموم است و بیشتر به بیکاری و اتلاف وقت و ظرفیت‌های فرد اشاره دارد. در فارسی، به معنای آسایش بعد از کار است. افق اندیشه یک مسلمان، نسبت به وقت و عمر، بازتر و جامع‌تر است نسبت به مکاتب مادی؛ چرا که از دیدگاه اسلام، عمر و فرصت حیات، نعمتی است که انسان مؤمن همواره برای رسیدن به کمال از آن استفاده می‌کند.

اوقات فراغت به عنوان زیر مجموعه‌ای از زمان، یک سرمایه ارزشمند و گنج نهان است که باید استخراج، بهره‌گیری و برای آن برنامه

دوراندیشی این است که رسیدن به اوقات فراغت را انتظار بکشی، سپس به سوی هر کار خیری که برایت ممکن شد، بشتابی. (بحار الانوار، ج ۷۲) عقل این است که جرعه نوش غم‌ها و غصه‌ها باشی تا فرصتی برایت پیش آید و از آن استفاده ببری. (بحار الانوار، ج ۱)

ب) شتاب در انجام کارهای نیک

هر کار خیری ممکن شود، باید به سرعت آن را دریابد چرا که نمی‌داند چه وقت این توفیق از او سلب می‌شود. (سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۴۳) آرامش در هر کاری بهتر از عجله است مگر در کارهای خوب. (غررالحکم، ج ۱۹۴۹)

ج) جلوگیری از هدر رفتن فرصت‌ها

خلوت و تنهایی ات را از تباه شدن، محافظت نما، (نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰) کسی که به سستی و تنبلی دل بندد از رسیدن به سعادت، دور است، (غررالحکم، ج ۱۰۰۲۸) بدترین چیزی که یک فرد وقت خود را با آن پر می‌سازد، امور بیهوده و گزاف است که انسان را به گمراهی می‌کشاند. (غررالحکم، ج ۵۶۹۷)

د) پرهیز از بیکاری

خداوند متعال، انسان آسوده و تندرستی را که نه در پی کارهای دنیایی خود است و نه برای آخرت خویش می‌کوشد، دوست ندارد. (تنبیه الغافلین، ص ۴۵۳). زیاد خوابیدن و بی کار بودن را دوست ندارد. (الکافی، ج ۵) مؤمن تمام وقتش پر است و به بیکاری نمی‌گذرد. (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۳) اگر کار کردن مایه رنج و زحمت است بیکار بودن نیز موجب فساد و تباهی است. (بحار الانوار، ج ۶۷) دنیا سرای آزمایش و گرفتاری است. (نهج البلاغه، نامه ۵۹) خداوند از شخص تندرست بیکار نفرت دارد. (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۷)

اوقات فراغت را چگونه بگذرانیم؟

از دیدگاه اسلام، لذت‌های زندگی، بخشی از برنامه‌ها و متن زندگی است، لکن کسی که از وظایف کاری و لذت‌های برنامه‌ریزی شده اش عبور کرده و اکنون فراغتی برایش حاصل شده است، بعضی از بهترین کارهایی که می‌تواند انجام دهد عبارتند از:

الف) بندگی خدا

«فإذا فرغت فانصب والی ربک فارغب» (انشرح/ ۸ - ۷)؛ پس چون

فراغت یافتی، به طاعت درکوش و با اشتیاق به سوی پروردگارت روی آور. (انشرح/ ۸ و ۷) و برای رسیدن به هدفی که برای آن خلق شده‌ای (رسیدن به کمال) تلاش کن. (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰) امام سجاد (ع) می‌فرماید: خدایا، مزه فراغت را در انجام آنچه که موجب قرب تو می‌شود، به من بچشان. (صحیفه سجاده، دعای ۴۷)

ب) دوستی با خدا

خداوند دل‌ها را برای دوستی خودت فارغ گردان و آن را به یاد و ذکر خود مشغول بدار. (صحیفه سجاده، دعای ۲۱)

ج) اشتغال به کار آخرت

ای مردم از هر عمل بی‌فایده‌ای که حاجتی را برطرف نمی‌سازد روی گردانید و خود را به امور آخرتی که گریزی از آن نیست مشغول سازید. (غررالحکم، ج ۲۵۵۸) به کاری مشغول باش که از آن، مورد سوال و بازخواست واقع می‌شوی. (غررالحکم، ج ۷۱۴۳)

د) حسابرسی نفس

شایسته است که انسان در ساعتی از زندگی خود به حساب نفس خود برسد و در آنچه به دست آورده و از کف داده، اندیشه نماید. (غررالحکم، ج ۹۶۸۴). وای بر مسلمانی که برای کار دین خویش، دست کم روز جمعه هر هفته خود را از کارهای دیگر فارغ نمی‌سازد. (الخصال، ص ۳۹۳)

ه) حل مشکلات آینده

زمان فراغت و آسایش را برای روزگار گرفتاریات سرمایه و توشه قرار ده. (غررالحکم، ج ۲۳۸۰)

و) پرداختن به کارهای مهم

هر که خود را به کارهای بیهوده و غیر مهم مشغول سازد، عمر گرانمایه خویش را که سرمایه با ارزش اوست از دست داده است.

(غررالحکم، ج ۸۶۰۷)

دستاوردهای تحقیق

در ابتدای مقاله ذیل عنوان «بیان مسئله» سه سؤال مطرح شد، و گفته شد که محقق در این مقاله و مقاله‌های مکمل آن به دنبال پاسخگوئی به این سؤال‌ها بود. اکنون خوب است بازگشتی به آن سؤال‌ها داشته باشیم:

- مقالات برگزیده همایش تربیت اسلامی، قم، موسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی «ره» ۱۳۸۸
۱۸. صدر، سیدمحمدباقر، سنتهای اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ترجمه حسین منوچهری، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۶۹
۱۹. صدر، سیدمحمدباقر، انسان مسؤل و تاریخ ساز، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، بنیاد قرآن، ۱۳۵۹
۲۰. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۱ق)، المیزان، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات
۲۱. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۲۰، قم، رجا، ۱۳۸۳
۲۲. غزالی، کیمیای سعادت، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۴
۲۳. فلاهانی، ابونصر محمد، سیاست مدینه، ترجمه سید محمد جعفری سجادی، تهران، فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴
۲۴. قمی، عباس، کلیات مفاتیح الجنان، تهران، وصال اندیشه، ۱۳۸۱
۲۵. کاشانی، فیض (مولی محسن)، المحجبه البیضاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۳ق
۲۶. کاویانی، آثار روانی - اجتماعی خداپاوری / فصلنامه حوزه و دانشگاه، شماره ۱۳، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۶
۲۷. کجیاف، محمد باقر، روانشناسی رفتار جنسی، تهران، نشر روان، ۱۳۷۶
۲۸. کرملیان، حسن، تبیینی از اهداف تربیت اسلامی بر مبنای قلمروهای حیات، قم، دو فصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۲، ۱۳۸۵
۲۹. کلینی، ثقه الاسلام، کافی، با ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع)، بی تا
۳۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۳ق)، بحار الانوار، دارالاضواء
۳۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه همراه با ترجمه فارسی، قم، دارالحديث، ۱۳۷۷
۳۲. مصباح، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۶۹
۳۳. مصباح، محمدتقی، معارف قرآن، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۹
۳۴. مصباح، محمدتقی، ره توشه، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰
۳۵. مطهری، تهران، تکامل اجتماعی انسان، صدر، ۱۳۶۶
۳۶. مطهری، مرتضی، هدف زندگی، بی جا، حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹
۳۷. مفید، الاختصاص، طهران، مکتبه الصدق، ۱۳۷۹
۳۸. ملا صدرا، المظاهر الالهیه، ترجمه و تعلیق سید حمید طیبیان، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۴
۳۹. موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۶۱، صحیفه، ج ۱۴، تهران، ارشاد اسلامی
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، زندگی در پرتو اخلاق، قم، نشر سرور، ۱۳۷۶
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، مدرسه امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۷۵
۴۲. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، قم، انتشارات مشهور، ۱۳۸۰
۴۳. هورادا، اوزمن، سموتل ام، کراور، مبنای فلسفی تعلیم و تربیت، ترجمه گروه علوم تربیتی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۷۹
44. Bullen L A, (2005), A technique of living, available at <http://www.budsas.org/ebud/tecliv/00.htm> (accessed 25 April 2007).
45. Busenitz N, (2003), The purpose driven life: A review, available at: <http://www.biblebb.com/files/pdl.htm> (accessed 25 April 2007).
46. Halstead JM, and Pike MA, Citizenship and moral education, London and New York, Routledge, 2006
47. Hunt S, , Religion and every day life, London, Routledge. 2005
48. Inglis D, Culture and every day life, london and New York, Routledge, 2005
49. Paull E F , etal. The good life and the human good, Cambridge university press , 1992
50. Shu G, Coming face to face with life: Healing through psychodrama therapy, Human Service Training Association, 2006

۱ - آیا اهداف تربیتی اسلام، جامعیت و انسجام مفهومی دارد؟ با مطالعاتی که بر روی متون دینی انجام شد، معلوم شد که این جامعیت در اسلام حضور دارد؛ چه اینکه تقسیم اهداف به فردی، خانوادگی و اجتماعی، یک حصر عقلی است. یعنی چیزی بیرون از اینها تصور نمی شود. هر هدفی که مطرح باشد، باید ذیل یکی از همین عناوین قرار بگیرد. از سوی دیگر می بینیم که هر یک از این اهداف به رده های زیرین دیگری تقسیم شده اند که هر قدر ادامه دهیم و به موضوعات ریزتری توجه کنیم، در آیات و روایات پاسخ آن را خواهیم یافت. علاوه بر این، اصولاً لازم نیست همه امور جزئی زندگی در آیات و روایات آمده باشد، تا به جامعیت اسلام معتقد بشویم، بلکه آنچه که تحت عنوان «اجتهاد» از آن یاد می شود، باعث می شود که هیچ امر مورد نیاز زندگی از زیر چتر اسلام بیرون نماند.

۲ - چه قالبی برای این اهداف قابل آرایه است؟ با نمودار و مدلی که آرایه شد، پاسخ این سؤال داده شده است. این مدل، یک انسجام و هماهنگی قابل توجه و خوبی را برای اهداف تربیت اسلامی آرایه کرده و رابطه های منطقی بین اجزاء آن را به خوبی نشان داده است.

۳ - مؤلفه های آن و به عبارت دیگر اهداف واسطه ای رده های اول و دوم و...، در تربیت اسلامی کدامند؟ بر اساس نموداری که آرایه شد، اهداف تربیت اسلامی، تا سه و در بعضی موارد تا چهار رده مشخص شده است. بدیهی است که با کامل تر شدن مباحث در مقاله های بعدی، پاسخ یابی برای سؤالات فوق، روشن تر و شفاف تر خواهد شد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، (بی تا)، تهران، دارالقرآن الکریم.
۲. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، (بی تا)، تهران، دارالقرآن الکریم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم، جماعه المدرسین، ۱۳۶۲
۴. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۴۲۱ق)، تحف العقول عن آل الرسول (ص) التمجیص، قم: شریف الرضی.
۵. ابو علی سینا (۱۲۵۰)، رساله اضحویه، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۶. الصدوق القمی، ابی جعفر (۱۳۹۰ ه ق)، من لا یحضره الفقیه، به تصحیح شیخ محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۷. اعرافی و همکاران، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبنای آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷
۸. اعرافی و همکاران، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲) اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران، سمت، ۱۳۷۶
۹. برنالافی، لودویک فون، مبنای و تکامل و کاربرد نظریه عمومی سیستمها، ترجمه کیومرث پربانی، تهران، تندر، ۱۳۶۶
۱۰. پسندیده، عباس، رضایت از زندگی، قم، مرکز تحقیقات دارالحديث، ۱۳۸۴
۱۱. جعفری، محمد تقی، فلسفه و هدف زندگی، تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۶۸
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، اسراء، ۱۳۸۱
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، زن در آیینه جلال و جمال، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۳
۱۴. حسینی، سید علی اکبر، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹
۱۵. داودی، محمد، ساختار اسلام و مؤلفه های تدین به آن، مبنای نظری مقیاسهای دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴
۱۶. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان امام حسین (ع)، ج ۶، مؤسسه تحقیقات امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۷۷
۱۷. رستمی نسب، عباسعلی، هدف غائی در تربیت دینی، بارویکرد اسلامی،

